



## روسیه چگونه در سایه تحریم‌های غرب، حیات خلوت خود در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی را حفظ می‌کند؟



استانیسلاو پریچی

رئیس بخش آسیای مرکزی، موسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل آکادمی علوم روسیه

ترجمه مجله جنوب جهانی

## روسیه چگونه در سایه تحریم‌های غرب، حیاط خلوت خود در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی را حفظ می‌کند؟

### استانیسلاو پریچی ترجمه مجله جنوب جهانی

رئیس بخش آسیای مرکزی، موسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل آکادمی علوم روسیه [نوشته‌ی استانیسلاو پریچی، نویسنده ستون نویس وبگاه خبری چینی «چاینا آبزور»، ترجمه از انگلیسی: یوان لیانگچنگ، ویراستار: چن جیارویی از وبگاه خبری چینی «چاینا آبزور»]

روسیه همکاری با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی را یکی از مهم‌ترین جنبه‌های سیاست خارجی و داخلی خود می‌داند و این امر ناشی از عوامل متعددی است. روابط مدرن روسیه با کشورهای این منطقه بر پایه تاریخچه تعاملات طولانی‌مدت با همسایگانی بنا شده است که در ابتدا بخشی از امپراتوری روسیه و سپس بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بودند.

در دوره شوروی، یک نظام مالی، اقتصادی و زیرساختی یکپارچه در این منطقه با موفقیت ایجاد شد که منجر به شکل‌گیری استانداردها، هنجارها و قوانین مشترک فعالیت‌های اقتصادی و همچنین یک نظام یکپارچه توزیع نیروی کار گردید. بنابراین، پس از فروپاشی شوروی، حفظ یک فضای اقتصادی مشترک به شرطی لازم برای حفظ حجم تجارت و افزایش همکاری‌های صنعتی تبدیل شد. مرزهای روسیه با آسیای مرکزی و منطقه دریای خزر فرصت‌هایی را برای توسعه پروژه‌های اتصال منطقه‌ای فراهم می‌کند، پروژه‌هایی که شامل کریدورهای حمل‌ونقل تا شبکه‌های خطوط لوله به سمت چین، ترکیه، ایران و هند می‌شوند. مهم‌ترین عامل همکاری روسیه با کشورهای آسیای مرکزی و منطقه دریای خزر، موقعیت ژئواستراتژیک آن‌هاست. این دو منطقه نقش حیاتی در تضمین امنیت مرزهای جنوبی روسیه ایفا می‌کنند.

از لحاظ تاریخی، عمدتاً به لطف تلاش‌های روسیه، یک سیستم کامل در این منطقه توسعه یافته است که شامل سیستم تاسیسات و زیرساخت‌های نظامی مشترک (مانند تاسیسات در چارچوب سازمان پیمان امنیت جمعی)، سیستم دفاع هوایی یکپارچه، منطقه ممنوعه برای حضور تاسیسات

نظامی غیرمنطقه‌ای و یک سیستم گسترده از توافق‌نامه‌های امنیتی دوجانبه با کشورهای این منطقه می‌شود.

از منظر فضای اجتماعی و سیاسی، روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی یک منطقه بدون ویزا (به استثنای ترکمنستان) هستند که دارای یک سیستم پایدار مهاجرت است و جریان اصلی آن به سمت روسیه است. بنابراین، هرگونه بحران و درگیری در این منطقه به طور مستقیم و در قالب افزایش موج مهاجرت و صدور افراط‌گرایی و تروریسم بر خود روسیه تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، برای مسکو حیاتی است که سطح بالایی از اعتماد سیاسی با کشورهای این منطقه حفظ کند و از طریق چارچوب‌های قانونی، نهادهایی برای اقدامات مشترک به منظور هماهنگی در پاسخ به چالش‌های امنیتی ایجاد نماید.

بر اساس این سطح عمیق از وابستگی متقابل، تلاش‌های دیپلماتیک روسیه از طریق ایجاد نهادها و شکل‌دهی چارچوب‌های نظارتی به دنبال تضمین امنیت است. در اسناد برنامه‌ریزی روسیه، از زمان تصویب اولین «مفهوم سیاست خارجی» در سال 1993، فضای پساشوروی همواره در اولویت قرار داشته است، اگرچه اهمیت واقعی این منطقه همیشه با جایگاه برنامه‌ریزی‌شده آن همخوانی نداشته است.

عملیات نظامی ویژه (SMO) که در فوریه 2022 آغاز شد و به دنبال آن وخامت سیستماتیک روابط با غرب، نقطه عطفی در روابط روسیه با کشورهای اوراسیا رقم زد. در مدت کوتاهی، روسیه روابط خود را با همسایگانش بازسازی کرد، سهم و اهمیت آن‌ها را در تجارت خارجی خود افزایش داد، پیوندهای سیاسی و اقتصادی را تقویت کرد و مجموعه‌ای از پروژه‌های استراتژیک جدید را در زمینه‌های حمل‌ونقل، انرژی و سرمایه‌گذاری شکل داد. این تلاش‌ها به روسیه این امکان را داد تا در شرایط نامساعد عوامل خارجی، نفوذ خود را در این منطقه حفظ و حتی تقویت کند.

### روابط با کشورهای اوراسیا پیش از سال 2022

در دهه 1990، با وجود وابستگی متقابل بالای آسیای مرکزی به روسیه، این منطقه به دلیل مشکلات اجتماعی و اقتصادی خود روسیه، در اولویت سیاست خارجی این کشور قرار نداشت. مرحله اول روابط با کشورهای این منطقه قبل از سال 2000 بود، دوره‌ای که نمایانگر «طلاق

متمدنانه» بود و کشورهای پسا شوروی از نظر نظام‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک از یکدیگر جدا شدند.

در همین حال، چارچوب حقوقی بین‌المللی برای مدل‌های جدید روابط بین‌الملل در این دوره شکل گرفت. جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) به پلتفرم اصلی گفتگوی چندجانبه تبدیل شد و وظیفه اصلی آن در این مرحله، کاهش شوک ناشی از «طلاق» بود. مدل تعاملات سیاسی در چارچوب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ذاتاً منفعل و محافظه‌کارانه بود و عمدتاً بر پیوندهای سیاسی و اقتصادی به ارث رسیده از دوران شوروی برای همکاری تکیه داشت و هیچ شکل و سازوکار جدیدی برای تقویت تعاملات آغاز نشد.

در سال 2000، پس از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین، سیاست روسیه در منطقه اوراسیا به طور قابل توجهی سرعت گرفت. در اولین سال ریاست جمهوری خود، او از تمام هیئت‌های عالی‌رتبه جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی بازدید کرد یا میزبان آن‌ها بود. این سطح از گفتگو تا به امروز ادامه یافته است: رهبران روسیه و کشورهای این منطقه به طور منظم در نشست‌های دوجانبه و چندجانبه دیدار می‌کنند. بنابراین، گفتگوی شخصی در بالاترین سطح یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی روسیه در این منطقه است.

همزمان با تقویت فعالیت‌های دیپلماتیک، روسیه اصلاحاتی را در اسناد راهبردی اصلی خود انجام داد. در ژوئیه 2000، آخرین نسخه «مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه» تصویب شد که در آن کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، از جمله جمهوری‌های آسیای مرکزی، به عنوان اولویت‌های سطح سیاست خارجی به وضوح تعیین شدند و این امر انگیزه جدیدی به همکاری‌های منطقه‌ای بخشید.

ابتکارات چندجانبه جدید نیز ظهور کردند: در سال 2000، جامعه اقتصادی اوراسیا (EurAsEC) تأسیس شد که شامل تمام جمهوری‌های آسیای مرکزی به جز ترکمنستان، ارمنستان و بلاروس بود. هدف این سازمان شناسایی کشورهای هسته در میان اعضای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بود که بیشترین علاقه را به تعمیق روابط اقتصادی و تقویت یکپارچگی اقتصادی در منطقه داشتند. هدف این سازمان تمرکز بر اعضای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بود که بیشترین علاقه را به تعمیق روابط اقتصادی داشتند و تسریع روند یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای را دنبال می‌کرد.

جامعه اقتصادی اوراسیا به سنگ بنای نهادی برای یکپارچگی دقیق‌تر بعدی تبدیل شد، از اتحادیه گمرکی روسیه، بلاروس و قزاقستان در سال‌های 2007 تا 2010، تا فضای اقتصادی واحد در

سال‌های 2010 تا 2014، و در نهایت اتحادیه اقتصادی اوراسیا که در سال 2014 شکل گرفت (در سال 2015، ارمنستان و قرقیزستان به اتحادیه اقتصادی اوراسیا پیوستند)، روند یکپارچگی به طور پیوسته پیشرفت کرد.

در این دوره، روند یکپارچگی ارتباطات سیاسی در سطح بالا بین رهبران کشورهای منطقه را تسهیل کرد. علاوه بر گفتگو در مورد مسائل اقتصادی، بحث در مورد مسائل امنیتی نیز ادامه یافت. در ابتدا، روسیه از عملیات ضد تروریستی ایالات متحده و ناتو در افغانستان در سال 2001 حمایت کرد.

با این حال، با گذشت زمان، حضور رو به رشد متحدان غربی در این منطقه به عنوان مغایر با منافع روسیه تلقی شد. استدلال‌های حامی این دیدگاه این بود که ارتش ایالات متحده از پایگاه‌های این منطقه استفاده می‌کرد که این امر نفوذ ایالات متحده را گسترش می‌داد و به طور غیرمستقیم «انقلاب‌های رنگی»، به ویژه در قرقیزستان در سال 2005 را تشویق می‌کرد.

بنابراین، روسیه شروع به اتخاذ تدابیری برای بستن تدریجی تاسیسات نظامی ایالات متحده، عمدتاً پایگاه هوایی ماناس کرد. از طریق گفتگوی سیاسی فشرده، تا سال 2014، قرقیزستان پایگاه هوایی ایالات متحده در فرودگاه ملی را تعطیل کرد. در همان سال، قرقیزستان به اتحادیه اقتصادی اوراسیا پیوست و با انطباق قوانین خود با الزامات و استانداردهای اتحادیه، روابط خود را با روسیه و دیگر شرکا به سطح جدیدی ارتقا داد.

در همین حال، روسیه همکاری خود را با ازبکستان تقویت کرد. از سال 2016 و پس از درگذشت اسلام کریم‌اف، ازبکستان توسط شوکت میرضیایف، نخست وزیر وقت، رهبری می‌شود. میرضیایف به عنوان رهبر جدید، به سرعت سیاست خارجی ازبکستان را با نیازهای توسعه اقتصادی تطبیق داد. روسیه به یکی از مهم‌ترین شرکای اقتصادی ازبکستان، شریک تجاری اصلی و بزرگترین سرمایه‌گذار آن تبدیل شده است.

با توجه به اهمیت روزافزون یکپارچگی اوراسیا برای رشد اقتصادی، ازبکستان در دسامبر 2020 به عنوان ناظر به اتحادیه اقتصادی اوراسیا پیوست.

## امنیت، بنیان همکاری

علیرغم ضعف سیاسی داخلی روسیه و مواجهه با مشکلات پیچیده داخلی در دهه 1990، این کشور همچنان مهم‌ترین ضامن امنیت و میانجی در تمام بحران‌ها و درگیری‌های آسیای مرکزی و منطقه دریای خزر بود.

تا دهه ۲۰۰۰، روسیه همواره از مرزهای جنوبی تاجیکستان و ترکمنستان محافظت می‌کرد و امنیت آن‌ها را در بحبوحه تشدید بحران افغانستان تضمین می‌نمود. روسیه به عنوان میانجی و ضامن اصلی، در حل مناقشه جنگ داخلی تاجیکستان در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ مشارکت داشت. این کشور همچنین نقش میانجی دوجانبه یا چندجانبه را در مناقشات میان ارمنستان و آذربایجان، و همچنین درگیری‌های گرجستان با آبخازیا و گرجستان با اوستیای جنوبی ایفا کرده است.

در نظام امنیتی آسیای مرکزی، علاوه بر همکاری در چارچوب سازمان پیمان امنیت جمعی، توافق‌نامه‌های امنیتی دوجانبه با ازبکستان و ترکمنستان نیز وجود دارد که امکان واکنش انعطاف‌پذیر و سریع به چالش‌های امنیتی مختلف در این منطقه را فراهم می‌سازد.

به عنوان مثال، پس از خروج ایالات متحده و متحدانش از افغانستان در اوت ۲۰۲۱، مرزهای آسیای مرکزی بار دیگر با تهدید بی‌ثباتی مواجه شدند. برای مقابله با خطرات ناشی از افغانستان، مسکو به همراه اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی و ازبکستان (کشور غیرعضو)، مجموعه‌ای از رزمایش‌ها را در مرزهای جنوبی این منطقه انجام داد تا برای اقدامات مشترک در صورت بروز تهدیدات احتمالی از سوی افغانستان آماده شوند.

رویکرد مسئولانه روسیه در حفظ امنیت و ثبات آسیای مرکزی و اثربخشی نظام امنیتی سازمان پیمان امنیت جمعی، به طور چشمگیری در وضعیت قزاقستان مشهود بود.

در ژانویه ۲۰۲۲، نیروهای حافظ صلح سازمان پیمان امنیت جمعی به سرعت وارد عمل شده و اعتراضات گسترده را سرکوب کرده و وضعیت قزاقستان را تثبیت نمودند. تا حد زیادی به دلیل استقرار نیروهای واکنش سریع، این سازمان توانست در عرض چند روز وضعیت را به حالت عادی بازگرداند و به نهادهای انتظامی قزاقستان در برقراری نظم در شهرهای اصلی مانند آلماتی کمک کند. روسیه چندین تاسیسات نظامی در این منطقه مستقر کرده است که بخش مهمی از امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شوند، از جمله پایگاه ۲۰۱ روسیه در تاجیکستان و پایگاه هوایی سازمان

پیمان امنیت جمعی در شهر کانت قرقیزستان. تمامی این‌ها اجزای مهمی از نظام امنیتی کل منطقه هستند.

سازمان همکاری شانگهای (SCO) یکی دیگر از اجزای مهم نظام امنیتی اوراسیا است که چین نیز در آن نقش دارد. در سال ۲۰۰۱، با پیوستن ازبکستان به توافقنامه شانگهای اولیه، سازوکار «پنج شانگهای» به یک سازمان بین‌المللی جامع و رسمی ارتقا یافت و دامنه وظایف آن نیز به حفظ مشترک امنیت منطقه‌ای و همکاری در مقابله با سه چالش افراط‌گرایی، تروریسم و جدایی‌طلبی گسترش یافت.

سازمان همکاری شانگهای به طور نظام‌مند به مسائل مهم منطقه‌ای از جمله قاچاق مواد مخدر، تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی می‌پردازد. در چارچوب سازمان همکاری شانگهای، تمامی کشورهای عضو به طور منظم رزمایش‌هایی را برگزار می‌کنند و از طریق نیروهای ویژه و نهادهای انتظامی همکاری نزدیکی برای مبارزه مشترک با تروریسم و سایر تهدیدات امنیتی دارند.

در همین حال، تعامل بین سازمان همکاری شانگهای و سازمان پیمان امنیت جمعی اثرات هم‌افزایی مثبتی ایجاد کرده است. سازمان اول بر سطح گسترده‌تر اوراسیا تمرکز دارد و یک دستور کار سیاسی سازنده برای واکنش مشترک به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای تدوین می‌کند، در حالی که سازمان دوم بخش اجرایی نظام امنیتی منطقه‌ای است و دارای سازوکارهای کامل‌تری برای تضمین امنیت سیاسی داخلی و مقابله با تهدیدات خارجی است.

### عملیات نظامی ویژه و مرحله جدید روابط

بدون شک، مرحله جدید تعامل روسیه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی با آغاز عملیات نظامی ویژه روسیه در فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد. تحریم‌های غرب همکاری‌های سیاسی و اقتصادی روسیه با کشورهای این منطقه را پیچیده کرد و روابط استراتژیک روسیه با آن‌ها را تهدید نمود.

در سایه تهدید تحریم‌های ثانویه، شرکای ژئوپلیتیک روسیه در اوراسیا، مانند چین، ترکیه، کشورهای حوزه خلیج فارس، و همچنین رقبای آن، عمدتاً اتحادیه اروپا و کره جنوبی، فعال‌تر شده‌اند. در دوره ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴، انواع مختلف نشست‌های سران منطقه‌ای به اوج خود رسید. به ویژه، نشست‌های

سران در قالب «آسیای مرکزی + ۱» به نیروی محرکه مهمی برای پیشبرد روابط دیپلماتیک متنوع کشورهای این منطقه و تقویت سیاست خارجی چندجانبه تبدیل شده است.

یکی دیگر از عوامل ایدئولوژیک مؤثر بر روابط روسیه با آسیای مرکزی، تشبیه برخی از نخبگان منطقه‌ای کشورهای خود با اوکراین و نگرانی آن‌ها از احتمال اتخاذ اقدامات سختگیرانه از سوی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی است. رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی غربی و دیگر عوامل با نفوذ منطقه‌ای به طور فعال این موضوع را ترویج می‌کنند.

با این حال، حتی در شرایط فشار غرب و افزایش پروژه‌های ژئوپلیتیک رقبای روسیه، ماهیت استراتژیک روابط مسکو با این منطقه تغییر نکرده است. برعکس، در سه سال گذشته، روسیه به طور نظام‌مند تعاملات سیاسی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری خود را با کشورهای این منطقه تقویت کرده است.

نخست، گفتگوی سیاسی در بالاترین سطح بر اساس اعتماد به سرعت در حال توسعه است. تعداد تماس‌های رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین با رهبران دیگر کشورهای این منطقه، معمولاً از مجموع تماس‌های رهبران کشورهای اوراسیا با رقبای ژئوپلیتیک روسیه بیشتر است. مسکو همچنان شریک خارجی اصلی کشورهای این منطقه است و مهم‌ترین نقش «تأییدکننده مشروعیت» خارجی را در انتخابات و دیگر فرآیندهای سیاسی کشورهای آسیای مرکزی ایفا می‌کند.

چارچوب نهادی تعاملات سیاسی از طریق فرآیندهای یکپارچگی حفظ می‌شود. اشکال مختلف همکاری وجود دارد، از جمله جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع که فراگیرتر اما الزام‌آور کمتری است، اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای یکپارچگی اقتصادی، و سازمان‌های با تمرکز بر امنیت مانند سازمان همکاری شانگهای و سازمان پیمان امنیت جمعی، به علاوه توافق‌نامه‌های دوجانبه و یک چارچوب قانونی گسترده، که پایه‌ای پایدار برای گفتگو و همکاری ایجاد می‌کند.

علاوه بر این، سیستم ارتباطی توسعه‌یافته در سطوح منطقه‌ای و بخشی، روسیه را به یک شریک استراتژیک تبدیل می‌کند. این عوامل به مسکو امکان می‌دهد تا یک چارچوب قانونی و نهادی واحد ایجاد کند که پایه‌ای پایدار برای گفتگو و همکاری فراهم نماید. در مقایسه با دیگر نیروهای خارجی در منطقه، مانند چین، ترکیه و غرب، مسکو گسترده‌ترین ابزارها، از جمله نهادهایی با چارچوب قانونی متعادل و جامع، برای تعمیق همکاری‌های چندجانبه در اختیار دارد.

در سال‌های اخیر، روسیه به شریک اصلی و ضامن امنیت انرژی در این منطقه تبدیل شده است. پروژه «اتحاد گاز سه‌جانبه» که در جریان سفر قاسم‌جومارت توقایف، رئیس جمهور قزاقستان به

مسکو در دسامبر ۲۰۲۲ اعلام شد، یکی از مهم‌ترین و امیدوارکننده‌ترین پروژه‌ها است که نه تنها امنیت انرژی قزاقستان و ازبکستان را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد، بلکه احتمالاً به تاجیکستان و قرقیزستان نیز سود خواهد رساند.

در واقع، این منطقه زیرساخت‌های لازم برای عرضه گاز را در اختیار دارد؛ سیستم خط لوله گاز «آسیای مرکزی - مرکز» که در ابتدا برای انتقال گاز آسیای مرکزی به روسیه و کشورهای اروپایی ساخته شده بود. برای قزاقستان، تشکیل «اتحاد گاز سه‌جانبه» مشکل کمبود گاز داخلی را حل خواهد کرد.

بنابراین، بر اساس پیش‌بینی وزارت انرژی قزاقستان، کسری گاز در سال ۲۰۲۳ به ۱.۷ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. به گفته بولات آکچولاکوف، وزیر انرژی این کشور، قزاقستان در حال انجام مذاکرات اولیه با شرکت گازپروم روسیه برای افزایش خرید گاز است. مقدار دقیق آن به سرعت و مقیاس برنامه گازرسانی این کشور بستگی خواهد داشت. احتمالاً در اوایل سال ۲۰۲۵، میزان عرضه سالانه به ۴ میلیارد متر مکعب و در آینده به ۱۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید.

در همین حال، سطح گازرسانی در مناطق قزاقستان، به ویژه در مناطق شمالی و شرقی این کشور، بسیار پایین است. اجرای برنامه همکاری سه‌جانبه نه تنها به قزاقستان امکان می‌دهد از هزینه ترانزیت مواد خام از روسیه به ازبکستان بهره‌مند شود، بلکه تا حدی مشکل تأمین گاز مناطق شمالی و شرقی خود را نیز حل خواهد کرد.

ازبکستان در حال حاضر با مشکل جدی کمبود گاز مواجه است. با توجه به اینکه ۸۰ درصد از برق این کشور از نیروگاه‌های گازسوز تأمین می‌شود و صنعت پتروشیمی آن در حال رونق است، تأمین پایدار گاز به یک اولویت فوری تبدیل شده است. در میان همسایگانش، تنها روسیه و ترکمنستان می‌توانند نیازهای رو به رشد آن را تأمین کنند، در حالی که ترکمنستان بیشتر گاز خود را برای مصرف داخلی و صادرات به چین اختصاص داده است. به دلیل مصرف داخلی بالا و تعهدات مربوط به عرضه گاز به چین، ظرفیت عرضه ترکمنستان در حال حاضر نسبتاً محدود است.

بنابراین، ذینفعان بالقوه اتحاد گاز بین روسیه، قزاقستان و ازبکستان شامل کشورهای همسایه این منطقه، یعنی تاجیکستان و قرقیزستان نیز می‌شوند. در قرقیزستان، شرکت گازپروم روسیه در حال حاضر مالک سیستم حمل و نقل گاز محلی برای اطمینان از تأمین گاز آن است.

از آنجایی که ازبکستان تا همین اواخر تأمین‌کننده اصلی مواد خام برای قرقیزستان بود، صادرات مواد خام روسیه به این منطقه، به ویژه به ازبکستان، تأمین بی‌وقفه و مستقیم نیازهای قرقیزستان را تضمین خواهد کرد.

برای کشورهای آسیای مرکزی، تولید برق هسته‌ای یک منبع برق بلندمدت بسیار امیدوارکننده و قابل اعتماد است.

این منطقه از ذخایر غنی اورانیوم برخوردار است و قزاقستان با سهم ۴۲ درصدی، بزرگترین تأمین‌کننده اورانیوم در جهان محسوب می‌شود. وجود تأسیسات فرآوری سوخت در قزاقستان و ازبکستان، به همراه توانمندی‌های فنی شرکت دولتی روس‌اتم روسیه، شرایط لازم برای استخراج، فرآوری و ساخت چندین نیروگاه هسته‌ای در این منطقه را فراهم کرده است که پایه‌ای برای همکاری جامع در زمینه انرژی هسته‌ای به وجود می‌آورد.

پروژه ساخت نیروگاه هسته‌ای در ازبکستان با سرعت بیشتری پیش می‌رود. در مه ۲۰۲۴، در جریان سفر رئیس‌جمهور پوتین به تاشکند، دو طرف توافق‌نامه‌ای را برای ساخت ۶ نیروگاه هسته‌ای کوچک با ظرفیت کل ۳۳۰ مگاوات تا سال ۲۰۳۳ امضا کردند. قزاقستان نیز پس از برگزاری همه‌پرسی در مورد انرژی هسته‌ای، در حال بررسی امکان ساخت نیروگاه هسته‌ای است و منطقه‌ای در نزدیکی دریاچه بالخاش را برای این منظور انتخاب کرده است. شرکت روس‌اتم روسیه نیز به عنوان یکی از شرکای بالقوه در نظر گرفته شده است.

قرقیزستان نیز برنامه‌هایی برای ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای کوچک در قلمرو خود دارد. به طور خاص، در ژانویه ۲۰۲۳، وزیر انرژی این کشور اعلام کرد که همکاری با روس‌اتم برای ساخت دو نیروگاه هسته‌ای کوچک با ظرفیت ۵۵ مگاوات برای هر کدام در دست بررسی است.

تلاش برای کاهش همکاری این کشورها با روسیه از طریق تهدید به استفاده از تحریم‌های ثانویه در عمل چندان مؤثر نبوده است. موفقیت شرکت‌های غربی بیشتر در کاهش مستقیم همکاری‌های بانکی بوده است. بانک‌های روسی مجبور به فروش دارایی‌های خود در این منطقه و کاهش حجم فعالیت‌هایشان شده‌اند.

این کشورها تحت فشار غرب از استفاده از سیستم پرداخت میر روسیه خودداری کرده‌اند. در عین حال، از نظر اقتصادی، علیرغم تهدیدهای تحریم، تجارت روسیه با تمامی همسایگانش در منطقه اوراسیا از سال ۲۰۲۲ به طور چشمگیری افزایش یافته و روسیه همچنان جایگاه خود را به عنوان مهم‌ترین شریک تجاری و سرمایه‌گذار در این منطقه حفظ کرده است.

در قزاقستان، ۲۳ هزار شرکت با مشارکت سرمایه روسیه وجود دارد که بیش از ۵۰ درصد از کل شرکت‌های با مشارکت سرمایه خارجی را تشکیل می‌دهد؛ در ازبکستان نیز ۳ هزار شرکت با مشارکت سرمایه روسیه وجود دارد که حدود ۲۵ درصد از کل شرکت‌های خارجی را شامل می‌شود. در زمینه همکاری‌های انسانی و آموزشی، روسیه همچنان مهم‌ترین شریک این منطقه است. در حال حاضر حدود ۲۰ شعبه از دانشگاه‌های روسیه در این منطقه فعال هستند، بنابراین دانشگاه‌های روسیه و شعب آن‌ها در این منطقه منبع مهمی برای خدمات آموزشی خارجی برای دانشجویان کشورهای آسیای مرکزی محسوب می‌شوند.

در زمینه مهاجرت تحصیلی، روسیه همچنان مقصد اصلی متقاضیان است و حدود ۱۰ درصد از دانشجویان قزاقستانی در دانشگاه‌های روسیه تحصیل می‌کنند. این بدان معناست که برای بخش قابل توجهی از جوانان آسیای مرکزی، روسیه همچنان یک شریک جذاب و امیدوارکننده است که سیستم آموزشی و فرهنگی قابل اعتمادی ارائه می‌دهد و آن‌ها مایلند آینده خود را با آن مرتبط سازند.

بنابراین، روسیه با تکیه بر نقاط قوت خود و نیاز مبرم این منطقه به سیاست خارجی و روابط اقتصادی متنوع، نه تنها نفوذ خود را از فوریه ۲۰۲۲ حفظ کرده، بلکه همکاری‌های خود را با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی تقویت و تعمیق بخشیده است. علاوه بر این، با بهره‌گیری از تقاضای شدید این منطقه برای سرمایه‌گذاری و فناوری، به ویژه در بخش انرژی، روسیه می‌تواند با ارائه مجموعه‌ای از پروژه‌های استراتژیک، جایگاه خود را به عنوان شریک کلیدی تثبیت کند. تلاش غرب برای جلوگیری از تعمیق همکاری بین کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و روسیه از طریق تهدید صرف به تحریم، بدون ارائه پروژه‌ها یا بازارهای جایگزین عملی، تا حد زیادی با شکست مواجه شده است.